

## «مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هشتم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۴

ص ص ۱۳۳-۱۱۳

### تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی

شهروندان شهر مریوان در سال ۱۳۹۳-۹۴

سلام عزیزی<sup>۱</sup>

دکتر لطیف پرتوی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۳

#### چکیده

تحقیق به بررسی قانون‌گریزی شهروندان ۱۵ الی ۶۴ سال شهر مریوان و عوامل اجتماعی موثر بر آن پرداخته است. روش بررسی این پژوهش میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر از افراد جامعه آماری به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و در مرحله بعد تصادفی ساده انتخاب شده و به سوالات پرسشنامه به روش مصاحبه پاسخ دادند. نتایج حاصل از تحقیق گویای آن بود که میزان قانون‌گریزی افراد از حد متوسط بالاتر بوده است. همچنین آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پای‌بندی اعضای خانواده به قانون و پایداری اعضای گروه دوستان به قانون با قانون‌گریزی پاسخگویان همبستگی معکوس و معنی‌داری داشته است و مدت زمان سکونت افراد در شهر با میزان قانون‌گریزی آن‌ها همبستگی مستقیم و معنی‌داری داشته است. میزان قانون‌گریزی مردان از زنان و افراد مشاغل آزاد از مشاغل دولتی بیشتر بوده است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره هم نشان داد که متغیرهای تحصیلات پاسخگویان، میزان قانون‌گریزی در خانواده فرد و میزان قانون‌گریزی دوستان بر قانون‌گریزی پاسخگویان تاثیر معنی‌داری داشته‌اند، این متغیرها با هم‌دیگر ۲۱ درصد از تغییرات قانون‌گریزی افراد را تبیین کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** قانون‌گریزی، قانون‌گریزی در خانواده، قانون‌گریزی دوستان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی.

#### بیان مساله

انسان به نظم احتیاج دارد، برای این که انسان می‌خواهد زندگیش قابل پیش‌بینی باشد. وقتی به دادگاه می‌رود، بداند که دادگاه چه رای می‌دهد و چه قانونی حاکم بر اوست. صاحب حق مطمئن باشد که

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز-ایران.

۲. استادیار دانشگاه پیام نور مرکز مهاباد-ایران (نویسنده مسئول).

به حقتش می‌رسد و مدیون مطمئن باشد که روزی مجبور است، حق را اجراء کند. بی‌نظمی یعنی گام نهادن در تاریکی، یعنی به سان افراد کور حرکت کردن است و این زندگی را بسیار دشوار می‌کند. بنابراین، ما به نظم احتیاج داریم، ولی همان انسانی که به نظم احتیاج دارد، نظم ظالمانه را نمی‌پسندد. نظم به این معنی است که مقدمه اجرای عدالت باشد. هدف مطلوب، اجرای عدالت است و نظم اگر ارزش دارد به عنوان مقدمه اجرای عدالت است، چون با بی‌نظمی هیچ‌گونه عدالتی در جامعه مستقر نخواهد شد. به همین جهت است که گاهی انسان به رغبت نظم را واژگون می‌کند تا بساط ظلمی را بر چیند و این کاری است که مردم در انقلابات می‌کنند. نظم اجتماعی به معنای آراستگی و مرتب بودن از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است، نظم هم‌چون روح در کالبد جامعه است که بدون آن، حیات جامعه به خطر می‌افتد (بیرو، ۱۳۶۷). بدون تردید قانون و قانون‌گرایی مایه قوام و دوام جوامع و سازمان یافتن اداره توانمند هر جامعه است. حاکمیت یافتن قانون، استواری و تقویت پیوندهای مردم و نیز حاکمان جامعه را در پی دارد اما با این همه، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در اجتماع گاه شاهد وقوع پدیده ناهنجار قانون‌گریزی و تخلف از قانون از سوی برخی از افراد هستیم که این روحیه هم به خود فرد و هم به اجتماع آسیب وارد می‌نماید.

زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بوده و لازمه زندگی اجتماعی نیز نظم، امنیت و عدالت است. در این راستا هر چیزی که بتواند زندگی اجتماعی را برای انسان کارآمدتر سازد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. از جمله این پدیده‌ها قانون است که انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند علاوه بر بهره‌مندی از زندگی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند؛ بنابراین می‌توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است. قانون به عنوان محور تنظیم‌کننده روابط میان افراد جامعه است. یکی از ارکان اصلی استقرار جامعه مدنی و تثبیت نظام مردم‌سالار و دموکراتیک و به‌علاوه دست‌یابی به کرامت والای انسانی (که بشر همواره در پی دست‌یابی به آن بوده است) به چگونگی سوگیری افراد یک جامعه نسبت به قوانین جاری در سطح خرد و کلان اجتماعی بستگی دارد. هر جامعه‌ای برای ثبات و پایداری و در نتیجه اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های طراحی شده، نیاز به رعایت نظم و قانون و مقررات از سوی افراد آن جامعه دارد، به گونه‌ای که گریز از قانون، یک حالت غیرعادی برای جامعه تلقی شود (پیرایش و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

امروزه قانون‌گریزی پدیده اجتماعی جهانی است، اگر چه جوامع انسانی برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن رو به رو هستند اما این موضوع با توجه به نوع جامعه می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. به ویژه از قرن نوزدهم تا امروز مسائل و مشکلات شهرها به عنوان سکونتگاه اکثر مردم جهان افزایش چشمگیر یافته‌اند. ساختار ارگانیکی شهر به گونه‌ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پر حجم و نسبتاً رسمی است و بیشتر از آن که هنجارهای سنتی، شکل روابط بین شهرنشینان را

تعیین کند این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می‌کند. مسائل و مشکلاتی مانند: مهاجرت، افزایش جمعیت، ترافیک، آلودگی‌های هوا، جرایم، بزهکاری، قانون‌گریزی و ... نیازمند اصلاح می‌باشند. بدین طریق شهرها امروزه به یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های اساسی تحقیق در مسائل اجتماعی تبدیل شده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸ و ساندرز، ۱۹۹۵). جامعه ایرانی نیز مانند همه جوامع دیگر همواره از عدم توجه به قوانین و هنجارهای اجتماعی موجود رنج برده است. متأسفانه در کشور ما نه تنها تمایل به قانون‌گریزی بلکه حتی رفتار قانون‌گریزی وجود دارد و تحقیقات علمی مختلفی در این زمینه انجام شده است که حکایت از این امر دارد. اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (محسنی، ۱۳۷۹؛ آزادارمکی، ۱۳۷۹؛ و علی‌خواه، ۱۳۸۱). مطالعاتی که در دو دهه اخیر به صورت نظر-سنجی (نظرسنجی صدا و سیما، ۱۳۷۷؛ طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۱؛ ایسپا، ۱۳۸۵ و غیره) انجام شده است؛ رفتارهای قانون‌گریزانه از جمله نادیده گرفتن قوانین راهنمایی و رانندگی، عدم پرداخت مالیات و پرداخت رشوه در ادارات کشور را تایید کرده‌اند. در طرح پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها که در سال ۱۳۸۲ در سراسر کشور انجام پذیرفت، ۱۸/۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند از قانونی که نامناسب است نباید اطاعت کرد. ۵۵/۷ درصد گفته بودند که در جامعه اختلاف و چند دستگی زیاد است. ۶۲ درصد مردم رواج تبعیض را در جامعه زیاد دانسته‌اند. ۸۸/۱ درصد از افراد معتقد بودند که میزان پارتی‌بازی در کشور زیاد است و ۶۹/۴ درصد هم دزدی را در جامعه زیاد دانسته‌اند (به نقل از بابایی و دیگری، ۱۳۸۸: ۹).

قانون‌گریزی در جامعه موجب ایجاد یک جامعه ناهنجار شده و آشفتگی اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورد. شهر مریوان یکی از شهرهای مرزی ایران می‌باشد. مردم این شهر از یک سو با دیگر شهرهای ایران و از طرف دیگر با شهرهای کردنشین عراق ارتباط تنگاتنگی دارند. این امر زمینه یک شهر چند فرهنگی را در مریوان به وجود آورده است. مواردی از قبیل قاچاق کالا در مرز مریوان، مهاجرت فصلی شهروندان مریوانی به عراق برای کار و بازارچه مرزی باشماق که فقط تعداد محدودی در آن کار می‌کنند، شرایطی ویژه-ای را در شهر مریوان ایجاد نموده است. این شرایط موجب شده است شهروندان مریوانی پایبندی چندانی به قانون نداشته باشند و اگر موقعیتی ایجاد شود از قوانین جامعه تخطی کنند. با توجه به موارد بالا به نظر می‌رسد مساله قانون‌گریزی در شهر مریوان یکی از آسیب‌های اجتماعی است که نیازمند یک بررسی علمی می‌باشد. بنابراین این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال است که میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر مریوان چه قدر است؟ و مهم‌ترین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن کدامند؟

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

– تعیین عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی شهروندان مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳

### اهداف جزئی

۱. تعیین تفاوت بین جنسیت و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان
۲. تعیین تفاوت بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان
۳. تعیین تفاوت بین نوع اشتغال سرپرست خانواده و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان
۴. تعیین رابطه بین نگرش خانواده به قانون و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان
۵. تعیین رابطه بین میزان پای‌بندی دوستان به قانون و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان
۶. تعیین رابطه بین مدت زمان سکونت فرد در شهر و میزان قانون‌گریزی شهروندان در مریوان.

### قانون‌گرایی و قانون‌گریزی

قانون‌گرایی میزان اهمیتی است که شهروندان برای قانون قائل می‌شوند و با شاخص‌هایی مانند: نگرش مثبت به قانون، کاهش ارتکاب جرائم و تخلفات، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش انسجام و وحدت اجتماعی قابل شناسایی است (محسنی، ۱۳۸۸: ۷۴). قانون‌پذیری به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی قانون از طرف اکثریت نزدیک به اتفاق مردم و عمل به آن‌ها می‌باشد. اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آن‌ها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت که قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است. آن‌چه به خصوص به لحاظ روان-شناسی اجتماعی، اهمیت دارد پذیرش ارادی و داوطلبانه قوانین از سوی افراد جامعه می‌باشد. در این حالت می‌توان گفت که قانون‌پذیری به عنوان جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه است (بالنتین، ۱۹۸۹). قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد، پیروی نکردن از این هنجارها را بر پیروی ترجیح می‌دهد. این جهت‌گیری حاصل ترجیح کنشگری است که تحت شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد (نجفی، ۱۳۸۱).

در واقع، زمانی که عده‌ای هنجارهای رسمی جامعه را نادیده بگیرند، با وضعیت قانون‌گریزی رو به رو هستیم. قانون‌گریز کسی است که با رفتار آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد. قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد (فیروز جاثیبیان، ۱۳۸۸). با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی خشن و شدید (مثل: سرقت و قتل) تا قانون‌گریزی گهگاهی غیرخشن و ضعیف، (مثل: ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و غیره) را در بر می‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی

<sup>1</sup> Boulentine

نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گوییم. آن‌چه مسلم است این است که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می‌شوند در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند، بر این اساس قانون‌گریزی را بر اساس ویژگی‌ها و شدت آن می‌توان به دو نوع متفاوت سخت و نرم تقسیم کرد (بابایی، ۱۳۸۸).

قانون‌گریزی سخت: به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی خشونت‌آمیز، دائمی و همراه با مجازات شدید باشد، قانون‌گریزی سخت گفته می‌شود. در بیشتر مواقع بر اثر این نوع قانون‌گریزی فرد خاصی آسیب می‌بیند. این نوع قانون‌گریزی در جامعه به عنوان جرم شناخته می‌شود و به افرادی که این نوع قانون‌گریزی از آن‌ها سر می‌زند، مجرم می‌گویند. سرقت، قتل و قاچاق مواد مخدر نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی هستند.

قانون‌گریزی نرم: به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیر خشونت‌آمیز، گهگاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. در نتیجه این نوع قانون‌گریزی عمدتاً جامعه آسیب می‌بیند. در جامعه این نوع قانون‌گریزی به عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کمتر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گریزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌گریزان به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیشتر به صورت عرف در جامعه درآمده است. نادیده گرفتن قوانین رانندگی، ندادن مالیات یا عوارض و استفاده از کپی‌های غیرمجاز نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی در جامعه است (فیروز جاییان، ۱۳۸۸).

از نگاهی دیگر می‌توان قانون‌گریزی را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارت است از:

۱. قانون‌گریزی ابزاری: در قانون‌گریزی ابزاری کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه است که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. براساس نظریه انتخاب عقلانی، فرد آن چیزی را انتخاب می‌کند که بیشترین رضایت خاطر یا منفعت را برایش به بار می‌آورد و این فرض وجود دارد که می‌داند در چه وضعیتی قرار دارد.

۲. قانون‌گریزی اعتراضی (ناهمنوایی): دو پاسخ کلی به چرایی اطاعت مردم از قوانین است که: الف) مردم در پاسخ به محرک‌های بیرونی و محسوس یا به عبارت دیگر پاداش‌ها و تنبیهات از قانون اطاعت می‌کنند. ب) اطاعت مبتنی بر تعهدات هنجاری است که اخلاق شخصی یا مشروعیت نهادی قانون‌گذار، حاکمان، مجریان و خود قوانین را شامل می‌شود. در این حالت، شخص احساس می‌کند که صاحبان اختیار و اقتدار حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون‌گریزی اعتراضی، عدم مشروعیت قانون، نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گریزی را شکل می‌دهد. در این حالت هنجارها و الزام‌های درونی شده مقوم اطاعت از بین می‌روند (رضایی، ۱۳۸۴).

۳. قانون‌گزیزی اخلاقی: قانون‌گزیزی اخلاقی زمانی است که آن شخص به قوانین‌گردن می‌نهد چون با ارزش‌های اخلاقی و درونی وی هم‌خوانی دارد. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی‌اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی هم‌خوانی نداشته باشد. بسیاری از کنش‌هایی که از تعلقات فامیلی و مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی در جامعه صورت می‌گیرند، در زمره این نوع قانون‌گزیزی جای می‌گیرد. آن‌چه در این نوع قانون‌گزیزی وجود دارد، حاکمیت معیارهای خاص به جای معیارهای عام است (رضایی، ۱۳۸۴). در این تحقیق بیشتر قانون‌گزیزی نرم مد نظر است.

#### پیشینه تحقیق

رضایی (۱۳۸۴) در زمینه میزان و نوع عوامل موثر بر قانون‌گزیزی به تحقیق پرداخته است. یافته‌های به دست آمده از تحقیق وی نشانگر آن است که احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیشترین تاثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گزیزی ابزاری داشته است. متغیرهای ذکر شده در مجموع ۲۹ درصد واریانس قانون‌گزیزی ابزاری را تبیین می‌کنند. احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، اعتماد به نظام سیاسی، تحصیلات، سن و ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی حدود ۵۰ درصد واریانس متغیر قانون‌گزیزی اعتراضی را تبیین می‌کنند. قانون‌گزیزی اخلاقی بیش از همه تابع خاص‌گرایی، اعتماد به نظام سیاسی و سن است. متغیرهای مذکور در مجموع ۱۵ درصد واریانس قانون‌گزیزی اخلاقی را تبیین می‌کند. شاخص کلی قانون‌گزیزی که از سه شاخص قانون‌گزیزی اخلاقی، اعتراضی و ابزاری ساخته شده بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داشته است. یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که متغیرهای تصور از میزان اعمال نظارت، ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، اعتماد به نظام سیاسی و خاص‌گرایی بیشترین تاثیر را بر شاخص کلی قانون‌گزیزی دارند.

کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) عوامل فردی و فرهنگی - اجتماعی موثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گزیزی شهروندان تبریز را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش پیمایشی نشان می‌دهد که قانون‌گرایی زنان و شهروندان متاهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین قانون‌گزیزی طبقات پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر بود. قانون‌گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد. به طوری که هر چه سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان مقدار نیز قانون‌گرایی آنان بالاتر است.

فیروز جاثیان (۱۳۸۹) نیز به بررسی قانون‌گزیزی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای پرداخته است. یافته‌های این پژوهش که به صورت پیمایشی انجام شده، نشان می‌دهد که وقتی افراد رویه‌های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی آنان کاهش می‌یابد و این درحالی است که فقدان عدالت رویه‌ای

در اجرای قانون موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود. این سه متغیر (عدم عدالت رویه‌ای، بی‌اعتمادی مدنی و عدم مشروعیت) با هم ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را مورد تبیین قرار می‌دهند. تاثیر متقابل این متغیرها موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود، در حقیقت در این وضعیت، مردم قانون‌گریزی را به اطاعت از قانون ترجیح می‌دهند.

رحیمی و شکارچی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل موثر بر قانون‌گریزی شهروندان شهر خلخال انجام داده‌اند. این تحقیق یک مطالعه‌ای اکتشافی در چارچوب گراند تئوری بوده است. در این تحقیق التزام آحاد جامعه به قوانین اجتماعی یکی از مهم‌ترین ضروریات زندگی در جوامع امروزی است. زمانی که عده‌ای قوانین اجتماعی و هنجارهای رسمی جامعه را نادیده می‌گیرند ما با وضعیت قانون‌گریزی رو به رو هستیم، ولی وقتی عده زیادی از افراد یک جامعه قوانین را نادیده بگیرند، در آن صورت قانون‌گریزی به مسأله‌ای اجتماعی تبدیل خواهد شد. قانون‌گریزی که از آن تحت عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می‌شود و سلامت جامعه را تهدید می‌کند، برخاسته از ناسازگاری‌هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری‌ها که معلول عوامل خرد و کلان است سبب می‌شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف شود و وحدت سازمانی جامعه به خطر افتد و شرایط بی‌هنجاری در جامعه حاکم گردد. از یک سده پیش به این سو، لزوم تبعیت همگان از قانون، توسط تعدادی از روشنفکران ایرانی مطرح شده ولی هنوز جامعه ایران از نهادینه کردن قانون در ساختارهای اجتماعی رنج می‌برد. این پژوهش با استفاده از روش نظریه‌سازی داده بنیاد (گراند تئوری) انجام شده است. داده‌های پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی-هدف‌مند و نیز معیار اشباع نظری از تعداد ۵۰ نفر با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری و سپس داده‌ها مطابق تجزیه و تحلیل روش نظریه داده بنیاد کدگذاری و دسته‌بندی می‌شوند.

محمدی و محمدی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان بررسی عوامل موثر بر قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر گرگان انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین ارتباط با دوستان و همسالان و گرایش به قانون‌گریزی ارتباط وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان رضایت مردم از عملکرد نیروی انتظامی و گرایش به قانون‌گریزی، رابطه منفی و معکوسی وجود دارد.

برزگری و چهارگنبندی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان بررسی میزان قانون‌گریزی و عوامل موثر بر آن در شهر کرمان انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که عواملی چون تبعیض در اجرای قوانین، احساس بی‌عدالتی نسبی، با ارزش شدن مادیات، مشارکت شهروندان در امور مختلف، نگرش منفی نسبت به قوانین، نحوه عملکرد قانون‌گذاران، عدم ثبات قوانین، بی‌اعتمادی نسبت به مجریان و منطقه محل سکونت بر میزان قانون‌گریزی افراد موثر بوده است.

مومنی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان قانون‌گریزی، علل و عوامل آن، پدیده قانون‌گریزی را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. محقق بیان می‌دارد وقتی که جامعه ابزار و امکانات تولید ثروت را

یکسان توزیع نمی‌نماید و استعداد و توانایی‌های اعضای جامعه برای تلاش مشروع نیز یکسان پرورش نیافته است. بنابراین باید انتظار داشت که رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای کسب درآمد مشاهده شود. قانون‌گریزی در نظام بوروکراسی در قالب ارتباطات بین بوروکرات و ارباب رجوع نشان‌دهنده درآمدهای نامشروع به انحاء مختلف است. در رفتار مدیران و مسئولان نیز به نسبت دسترسی به امکانات و باور به صحت رفتارهای خاص، قانون‌گریزی واقع می‌شود. او هم‌چنین بیان می‌دارد، اگر جامعه‌ای داشتن ثروت و مصرف‌زدگی را ترغیب نماید، ولی فرصت‌های مناسب برای کسب موفقیت از کانال‌های مشروع و مقبول را به همان نسبت فراهم نکند، مردم ناگزیر به شیوه‌های غیرقانونی روی می‌آورند. از این دیدگاه، بخش عظیمی از رفتار قانون‌گریزانه شخص از حیثه کنترل وی خارج و ناشی از ویژگی‌های خاص جامعه است، پس به ناچار برای کاهش قانون‌گریزی باید زمینه‌های ایجاد آن تغییر یابند.

حیدری و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان نظریه ازهم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز انجام دادند. هدف پژوهش حاضر آزمون نظریه ازهم گسیختگی نهادی در تبیین قانون‌گریزی بوده است. محقق برای این کار از یک‌سو به بررسی رابطه فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول به عنوان چهارارزش فرهنگی برای موفق شدن با قانون‌گریزی پرداخته است و از سوی دیگر رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی در دو بعد عینی و ذهنی را با قانون‌گریزی و ازهم‌گسیختگی نهادی و هم‌چنین عناصر آن بررسی کرده است. روش این پژوهش پیمایش بود. پرسشنامه تهیه شده از مقیاس‌های ازهم‌گسیختگی نهادی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی و ذهنی و قانون‌گریزی تشکیل شده بود. جامعه نمونه این پژوهش کل دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای ۴۰۰ نفر از آن‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که ازهم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معنادار است و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل چشم‌پوشی است. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که قانون‌گریزی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه ندارد. هم‌چنین بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی و ازهم‌گسیختگی نهادی همبستگی مثبت و ضعیفی مشاهده شد.

شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد انجام دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد بین سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. اما بین جنس، وضعیت شغلی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای اساسی، دین‌داری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد، اما بین آنومی و قانون‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.



مختاری و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان عوامل اجتماعی موثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز) انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنس و وضعیت تاهل)، میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان احساس تعلق اجتماعی، مواجهه با پاداش و تنبیه مناسب قانونی و محدودیت منابع و امکانات را با میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی را در قالب شش فرضیه مورد آزمون قرار دادند. در مورد متغیر جمعیت‌شناختی تنها رابطه جنس و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی معنادار بود. بدین معنی که مردان بیشتر از زنان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی داشتند. رابطه بین میزان تحصیلات و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی تایید نشد. به این ترتیب که افراد دارای تحصیلات متفاوت، میزان قانون‌گریزی متفاوتی نداشتند. به عبارت دیگر، سطح تحصیلات افراد در کاهش یا افزایش میزان قانون‌گریزی افراد اثری نداشته است. رابطه بین نوع شغل و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی تایید نشد. این که افراد دارای شغل دولتی و یا آزاد باشند، هم‌چنین دارای شغل رده بالا یا رده پایین موقعیت اجتماعی، در میزان قانون‌گریزی آنان اثرگذار نبوده است. نتیجه فرضیه مواجهه فرد با پاداش و تنبیه مناسب و میزان قانون‌گریزی این بود که هر چه میزان مواجهه با پاداش و تنبیه مناسب بیشتر باشد، میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی کاهش می‌یابد. رابطه بین احساس تعلق اجتماعی و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی نشان داد که هرچه احساس تعلق اجتماعی فرد بالاتر باشد، از میزان قانون‌گریزی فرد کاسته می‌شود و در نهایت رابطه بین محدودیت منابع و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی نشان داد که هر چه فرد با محدودیت منابع بیشتر رو به رو باشد، میزان قانون‌گریزی وی در روابط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

واحدی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل موثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی) انجام دادند. جامعه آماری این تحقیق کلیه افراد گروه‌های سنی ۲۰ الی ۷۵ ساله زن و مرد استان آذربایجان غربی بودند که تعداد آن‌ها ۲۱۴۵۰۱۲ نفر بودند. تعداد ۸۰۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب و برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای باورهای مذهبی، عام‌گرایی قانون، خوش‌بینی نسبت به حکومت و ترس از مجازات با میزان قانون‌گرایی افراد رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته است.

حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی انجام دادند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر اردبیل و حجم نمونه شامل ۳۸۳ نفر بوده است که ۱۹۳ نفر آن‌ها مرد و ۱۹۰ نفر هم زن بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای فردگرایی، نظارت اجتماعی، داشتن ابزار و وسایل اجتماعی برای رسیدن به

اهداف فرهنگی، معاشرت با افراد کجرو ارتباطی و جنس با رعایت قانون همبستگی معنی‌داری داشته‌اند. اما متغیرهای سن، پایگاه اقتصادی افراد و تامین نیازهای مادی با رعایت قانون رابطه معنی‌داری نداشته است. علی‌رودی‌نیا (۱۳۷۷) تحقیقی با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران انجام داده است. در این تحقیق، محقق با استفاده از داده‌های ثانویه، میزان قانون‌ستیزی را در کل استان مازندران به شکل طولی-تطبیقی مورد مطالعه قرار داده و عوامل اجماعی موثر بر نوسانات آن را تبیین کرده است. جامعه آماری این تحقیق متشکل از ۱۷ شهرستان در طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۳ می‌باشند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان سه متغیر صنعتی‌شدن، میزان سواد و توسعه، طبق مدل نظری تحقیق شهری مهم‌ترین متغیر در پیش‌بینی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران، متغیر صنعتی‌شدن است. متغیری که پس از صنعتی‌شدن بیشترین تأثیر را بر تغییرات میزان قانون‌ستیزی در استان دارد، متغیر میزان سواد است. سومین متغیری که در این تحقیق به طور همزمان با دو متغیر بالا وارد معادله شده و تأثیر معنی‌داری داشته است، متغیر توسعه شهری است.

هابرت و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان قانون‌گرایی و قانون‌شکنی: قانون شکنی توسط دولت در هلند و آمریکا انجام دادند. این تحقیق به روش مصاحبه‌ای و اسنادی به وسیله سه ناظر بین‌المللی و عواملان خصوصی و دولتی نظارت شده است. محققان به این نتیجه رسیدند که در همه بخش‌های بدنه دولتی، قاعده‌شکنی صورت می‌گیرد و این که البته قانون‌شکنی مختص به بخش سیاسی نیست.

فریر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان قانون‌شکنی زمانی که دیگران انجام می‌دهند، انجام داده است. این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده است. محقق در این تحقیق به دنبال تأثیر اهمیت مجاورت بر روی جرم بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که مجاورت با افراد بزهکار بر قانون‌شکنی آن‌ها تأثیر معنی‌داری داشته است. آن‌ها همچنین نشان دادند که تأثیر مجاورت ممکن است با سودمندی فن‌آوری اجرایی ارتباط داشته باشد و این که البته منافع افراد در شکستن قانون با یکدیگر نامتجانس است.

لو ژین کوان<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود تحت عنوان درباره دین و گرایش به قانون به این نتیجه دست یافت که دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی هم‌چون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید، باورها، احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیشتر شود، میزان عمل به قانون و پایبندی به آن در افراد نیز افزایش می‌یابد.

1. Haoubert and et al

2. Freer

3. Loo jin Kovan

وانگ ژیو شو و شانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی عوامل روان‌شناختی موثر بر قانون‌گرایی نشان دادند که بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

### فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان قانون‌گزیزی شهروندان برحسب جنسیت در مریوان تفاوت وجود دارد.
۲. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد و میزان قانون‌گزیزی تفاوت وجود دارد.
۳. بین نوع اشتغال سرپرست خانواده و میزان قانون‌گزیزی تفاوت وجود دارد.
۴. بین میزان پایبندی اعضای خانواده به قانون و میزان قانون‌گزیزی فرد ارتباط وجود دارد.
۵. بین میزان پایبندی اعضای گروه دوستان به قانون و میزان قانون‌گزیزی فرد ارتباط وجود دارد.
۶. بین مدت زمان سکونت فرد در شهر و میزان قانون‌گزیزی او ارتباط وجود دارد.

### معرفی متغیرها

#### متغیر وابسته:

متغیر وابسته در این تحقیق میزان قانون‌گزیزی می‌باشد.

#### متغیرهای مستقل:

متغیرهای مستقل این تحقیق عبارت است از: جنسیت، نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت اشتغال سرپرست خانواده، میزان پایبندی اعضای خانواده به قانون، میزان پایبندی اعضای گروه دوستان به قانون و مدت زمان سکونت در شهر.

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

#### قانون‌گزیزی

جامعه‌شناسان قانون را مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی می‌نامند که به منظور ایجاد نظم، استقرار امنیت، عدالت و تنظیم مناسبات اجتماعی وضع شده است و ضمانت اجرای آن را نهاد و دستگاه سیاسی یک کشور تحت عنوان دولت به عهده گرفته است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیت قوانین، محدودکننده و تنظیم‌کننده‌گی آن‌ها است که منجر به نظم اجتماعی می‌شود. قانون‌گزیزی نوعی جهت‌گیری نسبت به

<sup>1</sup> Wang Jio Show and Shang

هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کجروی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع، قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله اجتماعی وجود دارد (بابایی و دیگری، ۱۳۸۸).

در این تحقیق قانون‌گریزی افراد با گویه‌هایی اندازه‌گیری شده است. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت طرح و تدوین شده‌اند. قانون‌گریزی فرد عبارت است از: نمره‌ای که فرد از مجموع این گویه‌ها به دست می‌آورد.

۱. در صوتی که جریمه در کار نباشد، احتمال دارد هنگام رانندگی، قوانین و مقررات را رعایت نکنم.
۲. در صورتی که بتوان در موقعیت سبقت ممنوع، سبقت گرفت، اشکالی ندارد.
۳. در صورت نبود جای پارک اتومبیل، در جایی که پارک ممنوع است ماشین را پارک می‌کنم.
۴. در صورت داشتن کار ضروری، عبور از چراغ قرمز اشکالی ندارد.
۵. پیش آمده که نظافت محله را رعایت نکرده و موجب آلودگی شده باشم.
۶. پیش آمده که در صف‌های مختلف، نوبت را رعایت نکنم و کارم را سریع‌تر انجام دهم.
۷. اگر بتوانم کنتورهای برق، آب و یا گاز را دستکاری می‌کنم.
۸. همیشه سعی می‌کنم کارهای اداری خود را از طریق آشنا انجام داده تا از طریق قانونی.
۹. اگر بتوانم، هرگز مالیات پرداخت نمی‌کنم.
۱۰. ساخت و ساز بدون جواز در شهر هیچ اشکالی ندارد.
۱۱. آدم‌هایی که قانون را رعایت می‌کنند، موفق‌ترند.
۱۲. حتی اگر کسی بالای سر نباشد قانون را رعایت می‌کنم.
۱۳. من همیشه قانون را رعایت می‌کنم.
۱۴. باید از قوانین اطاعت کرد، حتی اگر مغایر با چیزی باشد که فکر می‌کنیم درست است.
۱۵. تخلف از قانون هیچ توجیهی ندارد.
۱۶. رشوه دادن به ماموران دولتی مانند شهرداری، اداره دارایی و راهنمایی و رانندگی و غیره برای کم کردن جریمه هیچ ایرادی ندارد.
۱۷. استفاده شخصی از امکانات دولتی، زرنگی نیست و به منافع عمومی لطمه می‌زند.
۱۸. دور زدن قانون کار مطلوب و پسندیده‌ای است.
۱۹. آدم باید زرنک باشد و از هر گونه فرصتی (حتی غیر قانونی) برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده کند.

### پایگاه اقتصادی اجتماعی

پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای اجتماعی او را تعیین می‌کند (کوئن، ۱۳۷۲: ۸۳). در این تحقیق این متغیر با سوالات زیر اندازه‌گیری شده است:

۱. سطح تحصیلات

۲. شغل

۳. متوسط درآمد ماهیانه خانواده

۴. در صورت داشتن خودرو در خانواده عنوان دقیق و مدل آن را بنویسید.

۵. اگر افراد جامعه را از نظر وضعیت اقتصادی به ۵ گروه تقسیم کنیم، شما خود را در کدام گروه قرار می‌دهید؟

بالا      متوسط به بالا      متوسط      متوسط به پایین      پایین

۶. شغل پدر

۷. شغل مادر

از آن جایی که سطح سنجش گویه‌های این متغیر باهم متفاوت است، برای به دست آوردن نمره کلی پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نمره‌های این گویه‌ها به نمره استاندارد تبدیل شده‌اند. نمرات استاندارد شده را با هم جمع کرده و به این صورت نمره پایگاه اقتصادی-اجتماعی را به دست آوردیم.

### پای‌بندی اعضای خانواده و گروه دوستان به قانون

منظور از پای‌بندی اعضای خانواده به قانون این است که این افراد چقدر به اصول قوانین و مقررات جامعه التزام دارند و چقدر قانون را رعایت می‌کنند.

در این تحقیق پای‌بندی اعضای خانواده و گروه دوستان با استفاده از معرف‌های زیر اندازه‌گیری شده است: اعضای خانواده و دوستان هریک از موارد زیر را چه قدر رعایت می‌کنند؟ این گویه‌ها در قالب طیف لیکرت مطرح شده‌اند و نمره همه این گویه‌ها همان قانون‌گریزی در خانواده پاسخگو می‌باشد.

۱. عبور از چراغ قرمز ۲. ساخت خانه بدون جواز ۳. عدم سبقت غیرمجاز ۴. متوسل شدن به پارتی برای انجام کارها ۵. پرداخت به موقع مالیات ۶. پرداخت به موقع فیش آب، برق و ... ۷. دستکاری کنتور آب، برق و گاز ۸. انجام معاملات غیرقانونی ۹. استفاده شخصی از امکانات دولتی.

### جامعه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق شهروندان شهر مریوان به تعداد ۸۵۴۲۸ بود. جهت برآورد حجم نمونه از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شد:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$= \frac{\frac{(1.96 \times 1.96 \times .5 \times .5)}{(.05 \times .05)}}{1 + \frac{1}{85428} \left( \frac{(1.96 \times 1.96 \times .5 \times .5)}{(.05 \times .05)} - 1 \right)} = 383$$

در فرمول بالا N تعداد افراد جامعه، P احتمال وجود صفت مورد نظر در جامعه، q عدم احتمال وجود صفت مورد نظر، d درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب و z درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول می‌باشد. جمعیت ۱۵ الی ۶۴ سال شهر مریوان برابر ۸۵۴۲۸ نفر می‌باشد. اگر احتمال p و q برابر ۰/۵، مقدار خطا ۰/۰۵ و درصد خطای معیار یا z برابر ۱/۹۶ باشد، حجم نمونه برابر با ۳۸۳ خواهد بود. برای اطمینان بیشتر تعداد ۳۸۵ نفر از شهروندان به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این تحقیق برای انتخاب فرد مورد نظر به صورت زیر عمل می‌کنیم.

۱. برای انتخاب تعداد مرد و زن از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده می‌کنیم.

۲. از روی نقشه جامع شهر مریوان (این نقشه در شهرداری و اداره مسکن و شهرسازی قابل دسترسی است) شهر مریوان را به ۱۹ بلوک یا محله (محله زریبار و مصطفی بیسارانی، چهار باغ، خرسندی، دار سیران قدیم، محله حسینی، محله بیمارستان، محله میانه‌ای‌ها، محله تفتی‌ها، محله ترخان‌آباد، محله مردوخ، محله کمربندی یک و دو، محله دارسیران یک و دو، محله فرمانداری، محله ترمینال قدیم، بهاران، نوبهار، موسک دو و شهرک اوراز تقسیم کردیم). در هر محله ۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در داخل هر بلوک بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی چند خیابان و کوچه را انتخاب نموده و در داخل هر کوچه یا خیابان چند خانه انتخاب نموده و با مراجعه به درب منزل آن‌ها از فرد مورد نظر (زن یا مرد ۱۵ الی ۶۴ سال) اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌کنیم. کسی که جواب زنگ درب را می‌داد و در را باز می‌کرد، در صورتی که در سن ۱۵ الی ۶۴ سال بوده و حاضر به همکاری بود، پس از توضیحات لازم پرسشنامه را تکمیل می‌کرد. در صورتی که فرد واجد شرایط نبود از او درخواست می‌شد تا یکی از اعضای واجد شرایط خانواده را صدا زده و به پرسشنامه پاسخ دهد.

### اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup>

در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت که پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه توسط استاد راهنما چند بار مطالعه و اصلاح گردید. در این تحقیق برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتیجه آلفای کرونباخ به صورت زیر می‌باشد:

1. Validity

2. Reliability

جدول شماره (۱): آلفای کرونباخ متغیرها

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
۱	قانون‌گزیزی	۱۹	۰/۸۷۵
۲	پای‌بندی اعضای خانواده به قانون	۹	۰/۸۲۳
۳	پای‌بندی دوستان به قانون	۹	۰/۷۹۶

### یافته‌های تحقیق

۵۶/۲ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵/۸ درصد نیز زن بوده‌اند. ۳۶/۱ درصد یعنی بیش از یک سوم پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. ۸۶/۸ درصد یعنی اکثریت پاسخگویان گفته‌اند که متوسط درآمد ماهیانه خانواده آن‌ها یک و نیم میلیون تومان و پایین‌تر بوده است. ۸۹/۶ درصد پاسخگویان معتقد بودند که متوسط مخارج خانواده‌شان در ماه یک میلیون و پانصد هزار تومان و کمتر می‌باشد. ۶۰ درصد گفته‌اند که در خانه دارای خودرو شخصی می‌باشند. ۵۱/۲ درصد خود را از نظر اقتصادی مطلوب ارزیابی کرده‌اند. ۱۸/۵ درصد میزان قانون‌گزیزی در بین اعضای خانواده خود را زیاد دانسته‌اند. ۲۳/۴ درصد گفته‌اند که دوستان آن‌ها قانون‌گیز هستند و ۶۱ درصد یعنی نزدیک به دو سوم پاسخگویان گفته‌اند که میزان قانون‌گزیزی آن‌ها بالاست.

آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که میانگین قانون‌گزیزی مردان به صورت معنی‌داری از زنان بیشتر بوده است. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد و قانون‌گزیزی او رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. میانگین قانون‌گزیزی افراد دارای شغل آزاد از افرادی که در مشاغل دولتی کار می‌کنند، به صورت معنی‌داری بیشتر بوده است. بین میزان پای‌بندی اعضای خانواده به قانون و میزان قانون‌گزیزی فرد ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته است. بین میزان پای‌بندی اعضای گروه دوستان به قانون و میزان قانون‌گزیزی فرد ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته است و بین مدت زمان سکونت فرد در شهر و میزان قانون‌گزیزی او ارتباط مستقیم و معناداری وجود داشته است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره هم نشان داد که متغیرهای سطح تحصیلات پاسخگویان، میزان قانون‌گزیزی در خانواده فرد، میزان قانون‌گزیزی دوستان، طبقه اقتصادی-اجتماعی و جنسیت پاسخگویان تاثیر معنی‌داری بر قانون‌گزیزی پاسخگویان داشته‌اند. این متغیرها با همدیگر ۲۴ درصد از تغییرات قانون‌گزیزی افراد را تبیین کرده‌اند.

هم‌چنان که در بالا آمده است میانگین قانون‌گزیزی مردان به صورت معنی‌داری از زنان بیشتر بوده است. این نتیجه با یافته‌های کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) که نشان داد که قانون‌گرایی زنان بالاتر از مردان بیشتر است. مختاری و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دادند بین جنس و میزان قانون‌گزیزی در روابط اجتماعی معناداری وجود داشته است؛ بدین معنی که مردان بیشتر از زنان قانون‌گزیزی در روابط اجتماعی داشتند و فرنام (۱۳۸۸) که نشان داد جنس با رعایت قانون همبستگی معنی‌داری داشته‌اند، مطابقت دارد و از حمایت تجربی این تحقیقات برخوردار است. اما با یافته‌های تحقیقات محسنی (۱۳۷۹)

که نشان داد بین جنسیت و نگرش آن‌ها در رابطه با اطاعت از قانون رابطه معناداری وجود نداشت و پژوهش شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) که دریافت بین جنس و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد، همخوانی ندارد.

ولفگانگ و فراکوتی در تایید نتیجه بالا می‌گویند که رفتارهای انحرافی منتج از طرف‌داری از مجموعه ارزش‌هایی است که به کارگیری خشونت و پرخاشگری را تشویق و حمایت می‌کنند. این ارزش‌ها مخالف ارزش‌های فرهنگ مسلط جامعه هستند. مثلاً در این خرده فرهنگ‌ها مواردی از قبیل دعوا کردن، تنه زدن، فحش و ناسزاگویی، تمسخر دیگران، به کارگیری اسلحه و غیره به عنوان ارزش شناخته می‌شوند. بر اساس نظریه خرده فرهنگ خشونت بعضی گروه‌ها مثلاً مردان نسبت به دیگران یعنی زنان بیشتر مرتکب بزهکاری و رفتارهای انحرافی می‌شوند؛ زیرا آن‌ها مجموعه متمایزی از ارزش‌هایی دارند که رفتارهای انحرافی را تایید نموده یا با آن مدارا می‌شود.

بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد و قانون‌گریزی او رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات محسنی (۱۳۷۹) که نشان داد کسانی که خانوار خود را از نظر رفاه در سطح پایین-تری ارزیابی می‌کنند، مخالفت بیشتری با عدم اطاعت از قانون ابراز کرده‌اند، کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) که نشان دادند قانون‌گریزی طبقات پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر بود، شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) در شهر یزد که نشان داد بین طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد، عزیززی (۱۳۸۶) که به این نتیجه رسید احساس فقر و بی‌عدالتی از علل اجتماعی تخلفات رانندگی هستند و پژوهش رفیع‌پور (۱۳۷۸) در شهر تهران که نشان داد احساس نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی بر رفتار آنومیک تاثیر بسیار قوی دارد، مطابقت دارد. اما با نتیجه پژوهش‌های حیدری و همکاران (۱۳۹۱) که نشان داد که قانون-گریزی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه ندارد و حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) که نشان دادند پایگاه اقتصادی افراد و تامین نیازهای مادی با رعایت قانون رابطه معنی‌داری نداشته است، همخوانی ندارد.

در تایید نتیجه بالا کوهن می‌گوید که طبقات پایین در جامعه از نظر دست‌یابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آن‌ها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دست‌یابی به این اهداف را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. طبقه محروم هم تنها شیوه دست‌یابی به منزلت را از طریق بزهکاری و امور خلاف می‌یابند. کوهن مدعی است که فرزندان طبقات فرودست و پایین جامعه با ارزش‌های طبقات متوسط و منزلت‌های اجتماعی مقبول آشنا شده و به آن‌ها تمایل پیدا می‌کنند. این افراد در مقایسه با بچه‌های طبقه متوسط در می‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و به اصطلاح می‌بازند. بنابراین برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دست‌یابی به منزلت‌های بالا، خرده فرهنگ بزهکاری تشکیل می‌دهند که نظام ارزشی آن‌ها مخالف نظام ارزشی طبقات مسلط جامعه است. در واقع کوهن کجروی را به پایگاه اجتماعی و طبقات اجتماعی منسوب می‌کند و منشأ این رفتارها را عدم دسترسی به اهداف مورد قبول جامعه می‌



داند. او کجروی را اعتراض ناشی از یاس و نومیدی، ناکامی و حرمان طبقات محروم جامعه ذکر کرده که به شکل ویرانگری، تخریب و خشونت جلوه‌گر می‌شود.

جیودیس بلاو و پیتر بلاو هم در نظریه محرومیت نسبی می‌گویند افراد طبقه پایین احساس محرومیت نسبی می‌کنند و این احساس را تشدید می‌کنند، وقتی که آن‌ها شیوه زندگی‌شان را با آن‌هایی که در ناز و نعمت و رفاه هستند مقایسه می‌کنند. افرادی که به دلیل طبقه اقتصادی یا نژادی‌شان احساس محرومیت کنند، سرانجام احساس بی‌عدالتی و نارضایتی را گسترش می‌دهند. ناکامی مداوم و زیاد که منتج از این احساس ناپربری است، پرخاشگری و دشمنی سرکوب شده را به وجود می‌آورد که در نهایت به خشونت و جرم منجر می‌شود.

میانگین قانون‌گریزی افراد دارای شغل آزاد از افرادی که در مشاغل دولتی کار می‌کنند، به صورت معنی‌داری بیشتر بوده است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات محسنی (۱۳۷۹) که نشان داد از نظر شغلی تمایل به عدم اطاعت از قانون در میان کارگران و کسبه از سایر قشرهای دیگر قوی‌تر و در گروه کارمندان و بازرگانان از دیگران ضعیف‌تر است، مطابقت دارد. اما با نتیجه تحقیقات شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) که نشان دادند بین وضعیت شغلی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و مختاری و همکاران (۱۳۹۱) که دریافته‌اند بین نوع شغل و میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود نداشته است، همخوانی ندارد. در تبیین نتیجه بالا می‌توان گفت از آنجایی که افراد دارای مشاغل دولتی نسبت به مشاغل آزاد وابستگی زیادی به دولت و نهادهای دولتی دارند و در مجموع از تحصیلات بالایی برخوردارند، میزان قانون‌گریزی آن‌ها نسبت به افرادی که در شغل‌های آزاد فعالیت می‌کنند، کمتر است. افراد دارای مشاغل دولتی نظارت بیشتری را بر رفتار خود احساس می‌کنند. این امر موجب می‌شود تا کمتر از قوانینی جامعه سرپیچی کنند.

بین میزان پای‌بندی اعضای خانواده به قانون و میزان قانون‌گریزی فرد ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته است. این نتیجه با یافته‌های عزیززی (۱۳۸۶)، پژوهش عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) و فریر (۲۰۰۹) که دریافته است مجاورت بر روی جرم موثر بوده است، چاملین و کوچران (۱۹۹۵) و جنس (۱۹۷۲) که همگی محیط خانواده را بر رفتارهای انحرافی افراد موثر دانسته‌اند، همخوانی دارد و از حمایت تجربی این پژوهش‌ها برخوردار است.

در تایید نتیجه بالا نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی می‌گویند که بچه‌ها رفتارهای مختلف را از طریق مشاهده مستقیم و تقلید رفتارهایی که مشاهده کرده یا دیده‌اند، یاد می‌گیرند. بچه‌هایی که بدرفتاری را تجربه کرده یا تماشاگر خشونت بوده‌اند، آمادگی بیشتری برای تقلید این رفتارها دارند. بچه‌هایی که در خانواده‌های عاری از خشونت و بدرفتاری بزرگ شده‌اند، احتمال کمتری دارد که در دوره نوجوانی و بزرگسالی به خشونت روی آورند. برعکس بچه‌هایی که تحت سلطه زورگویانه والدین بودند یا در خانواده‌هایی بزرگ شدند که در آن رفتارهای انحرافی زیاد بوده، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای انحرافی و

خشونت‌آمیز از خود نشان دهند. ساترلند یکی از نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی در تئوری هم‌نشینی افتراقی معتقد است که افراد از طریق تعامل با دیگران رفتار قانون‌شکنانه را فرا گرفته و ظاهر می‌سازد. فرض اصلی ساترلند این است که مردم در معاشرت با دیگران ارزش‌ها، هنجارها، انگیزش‌ها، استدلال‌های عقلانی و شیوه‌های رفتاری انطباقی و غیرانطباقی را می‌آموزند. او در نظریه خود معتقد است که کجرفتاری یادگرفتنی است نه ارثی و کجرفتاری در اثر تعامل با دیگران آموخته می‌شود و بخش اصلی یادگیری رفتار کجرو در اثر ارتباط صمیمی و نزدیک در درون گروه انجام می‌گیرد.

بین میزان پای‌بندی اعضای گروه دوستان به قانون و میزان قانون‌گریزی فرد ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته است. نتیجه این تحقیق با یافته‌های تحقیقات محمدی و محمدی (۱۳۹۲) که نشان دادند بین ارتباط با دوستان و همسالان و گرایش به قانون‌گریزی ارتباط وجود دارد. حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) که دریافتند معاشرت با افراد کجرو با قانون‌گریزی همبستگی معنی‌داری داشته است، یافته‌های فریر (۲۰۰۹) که مجاورت با افراد بزهکار را بر روی جرم موثر دانسته است و جنسن (۱۹۷۲) که داشتن ارتباط با بزهکاران را بر جرم و انحراف فرد موثر دانسته است، مطابقت دارد.

تارد<sup>۱</sup> در تایید نتیجه بالا می‌گوید که تمام اعمال و کارهای با اهمیت زندگی اجتماعی تحت تاثیر مدل‌ها و نمونه‌ها می‌باشند. تارد می‌گوید که تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط بین افراد حاکم است. تقلید اعمال روانی فرد از قبیل عادت را توضیح می‌دهد. اندیشه اساسی او این است که هر کسی بر طبق عادات و رسوم مورد قبول محیط خود رفتار می‌کند، اگر کسی می‌دزدد یا می‌کشد کاری جز تقلید از دیگران انجام نمی‌دهد. تارد بر این عقیده است که افراد در بخش‌هایی از زندگی خود از هم‌دیگر تقلید می‌کنند که تماس نزدیک با هم داشته باشند. بنابراین زمانی که فرد با کسانی (دوستان) ارتباط داشت باشد که قانون‌گریز باشند و رفتارهای انحرافی داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد تا او نیز از قانون سرپیچی کند.

بین مدت زمان سکونت فرد در شهر و میزان قانون‌گریزی او ارتباط مستقیم و معناداری وجود داشته است. این نتیجه با یافته‌های رضایی (۱۳۸۴)، عزیزی (۱۳۸۶) و رفیع‌پور (۱۳۷۸) که همگی آن‌ها معتقد بودند مدت زمان اقامت در شهر بر بزهکاری و قانون‌گریزی تاثیر داشته است، همخوانی دارد.

در تایید نتیجه بالا، نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی فرض را بر این قرار می‌دهند که رفتار افراد رفتاری ضد اجتماعی است و افراد به طور طبیعی تمایل به کجرفتاری دارند، مگر این که تحت کنترل قرار گیرند. یعنی فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کجرفتاری است. افزون بر این در تبیین‌های کنترل اجتماعی ادعا می‌شود که برخی افراد هیچ‌گاه با کسانی که قادرند نقش مهمی در زمینه کنترل رفتار آن‌ها ایفا کنند، پیوند برقرار نمی‌کند و از این رو هیچ وقت کنترل‌های لازم را برای مهار رفتارهای ضد اجتماعی

<sup>۱</sup> Gabriel Tarde

و انحرافی در خود درونی نمی‌کنند. هیرشی در این زمینه می‌گوید که همه افراد متخلفان بالقوه از قانون هستند و در صورتی که کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی کم شود، رفتارهای انحرافی افراد زیاد می‌شود. افرادی که در محیط‌های روستایی زندگی کرده و تازگی به شهر مهاجرت کرده‌اند، هنوز کنترل اجتماعی (رسمی یا غیررسمی) زیادی را بر رفتار خود احساس می‌کنند. این امر موجب می‌شود که کمتر از قانون سرپیچی نموده و قانون‌گریزی کنند.

### نتیجه‌گیری

آنچه که در این تحقیق در رابطه با قانون‌گریزی افراد به دست آمده، نشان‌دهنده آن است که قانون‌گریزی در جامعه وجود دارد. نکته دیگر این که پدیده قانون‌گریزی همانند سایر پدیده‌های اجتماعی معلول عوامل متعددی است و عوامل گوناگونی در پیدایش آن دخیلند. مواردی مانند: خانواده، گروه دوستان، ساختار جامعه، وضعیت اقتصادی افراد و عوامل دیگری در پیدایش قانون‌گریزی افراد موثرند؛ بنابراین برای از بین بردن قانون‌گریزی افراد ابتدا باید ساختار جامعه را اصلاح نمود و عوامل آسیب‌زای این پدیده را از بین برد.

### پیشنهادهای اجرایی

۱. از آنجایی که وضعیت اقتصادی با قانون‌گریزی رابطه معکوس داشته است، باید تلاش شود که برای زندگی افراد حد متوسطی از امکانات تامین شود و امکانات رفاهی و عمرانی لازم برای آن‌ها فراهم شود.
۲. ارتقاء سطح توسعه فرهنگی و نهادینه کردن قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌شکنی از طریق نهادهای مختلف جامعه.
۳. نهادهای رسمی نظارتی از جمله نیروی انتظامی و نهاد قضایی کشور باید بخش نظارتی خود را تقویت نمایند. نظام قضایی و انتظامی، باید نظارت رسمی خود را بر اجرای قانون گسترش دهد؛ وجود نظارت و کنترل دایمی باعث خواهد شد تا عامل ترس از نقض قانون وجود داشته باشد و بخشی از افراد مجبور به رعایت قانون شوند. جبر انضباطی و توسل به قهر، ضمن این که متناسب با خطایی است که افراد مرتکب شده‌اند، باید بلافاصله در پی جرم افراد صورت گیرد، تا تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد.
۴. از آنجایی که میزان قانون‌گریزی در خانواده و دوستان بر میزان قانون‌گریزی افراد تاثیر مثبتی داشته است که این امر خود تاثیر نهادهای جامعه‌پذیری را در اشاعه رفتار قانون‌مند نشان می‌دهد، لازم است تا والدین خود در درجه اول از قوانین تبعیت کنند تا فرزندان نیز تمایل به پیروی از قانون داشته باشند. احتمال پرورش فرزند قانون‌شکن از پدر و مادری که قانون‌شکن هستند بسیار زیادتر است.
۵. آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب همراه با توجیه منطقی از طریق رسانه‌های جمعی و پخش برنامه‌های مناسب در این زمینه.

۶. پیشگامی حاکمان و کارگزاران در رعایت قانون  
 ۷. گنجاندن برنامه‌های آموزشی راجع به قانون و آموزش قانون در خانواده، مدارس، دانشگاه و از طریق رسانه‌های جمعی.

### منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۷۹). **آینده نگری: مردم تهران، نگرانی‌ها و آینده**. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بیرو، آ. (۱۳۷۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: ب، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- حقیقتیان، م؛ و دیگری. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی. **فصلنامه مطالعات شهری**، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۱۴-۱۷۱.
- حیدری، آ؛ و همکاران. (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). **فصلنامه مسائل اجتماعی ایران**، سال سوم، شماره ۲، صص ۵۹-۳۹.
- رضایی، م. (۱۳۸۴). میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). **آنا تومی جامعه/مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی**. تهران: سهامی انتشار.
- شاه‌آبادی، ا؛ و دیگری. (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در بین شهروندان یزد. **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۱۵-۸۴.
- علی بابایی، ی؛ و دیگری. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر قانون‌گریزی. **فصلنامه دانش انتظامی**، سال یازدهم، شماره چهارم.
- علی‌خواه، ف. (۱۳۸۱). **نقش صدا و سیما در ترویج رفتار قانون‌مند**. طرح تحقیقاتی. تهران: موسسه تحقیقات صدا و سیما.
- علی‌پوردی‌نیا، ا. (۱۳۷۷). **مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی‌پوردی‌نیا، ا. (۱۳۷۸). **میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران**. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان مازندران.
- فیروز جاثیان، ع، ا. (۱۳۸۹). قانون‌گریزی (تحلیلی در منظر نظریه عدالت روبه‌ای). **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- کلانتری، ص؛ و همکاران. (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی. **فصلنامه علمی ترویجی**، سال پنجم، شماره ۱۸.
- محسنی، م. (۱۳۷۹). **بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، (در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی)**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- واحدی، ش؛ و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر قانون‌گرایی شهروندان، (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی). **فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی**، سال اول، شماره ۲، صص ۶۰-۳۷.
- Anderson, J. (2002). **General Strain Theory as an Explanation for Crime and Deviance**, Criminology, Vol. 101.
- Bjerregaard, B. & et al. (2008). A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do the Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderatethe Effects of the Economy on the Rate of Crime? **Western Criminology. Review**, 9(1), P.p: 31- 48.
- Bursik, R. (1988). **Social Disorganization and theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects**. Criminology, Vol. 26, No. 4, P.p: 519- 551.

- Chamlin, M. & et al. (1995). **Assessing messner and rosenfeld institutional anomie theory: a partial test, criminology**. Vol. 33, P.p: 411-429.
- Ferrer, R. (2009). Breaking the Law. **When Other Do European Economic**. Review: 54, P.p:163-180.
- Huberts, L. & et al. (2006). **Rule-making, rule-breaking?** Law breaking by government in the Netherlands and the united kingdom. *Crime Law Socio Change*. Vol. 46, P.p: 133-159.
- Lou Xin, Q. (2008). On Law-abiding and Religion. **Journal of Guangxi Youth Leaders College**.
- Markowitz, F. & et al. (2001). Extending Social Disorganization Theories: Modeling the Relationships between Cohesion, Disorder, and Fear. **Journal of Criminology**. Vol. 39, No. 2, P.p: 293-319.
- Markowitz, F. & et al. (2001). **Socioeconomic Disadvantage and Violence Pecen Research on Culture and Neighborhood Control as Explanatory Mechanisms**. Aggression and Violence Behavior. Vol. 8, P.p: 145-154.
- Reid, S. (2000). **Crime and Criminology**. U.S.A.: McGraw-Hill.
- Sampson, R. & et al. (1989). Community Structure and Crime: Social-Disorganization Theory. **American Journal of Sociology**. Vol. 94, P.p: 774-802.
- Siegel, L. (2001). **Criminology: Theories, Patterns and Typologies**. U.S.A.: Wadsworth.
- Wang Xiao, S. & et al. (2010). An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior. **Journal of Hubei University (Philosophy and Social Science)**.

Archive